

# درس چهارم: مریم مقدس مادر خداوندمان

## قسمت اول

منبع: کتاب الهیات تطبیقی پاپ شنودا، ترجمه: س.آ

(۱) تکریم مریم عذرا (همیشه باکره)

(۲) القاب او

(۳) اعیاد مربوط به او

(۳) پاسخ به سؤالات

الف) چرا ما بر مریم عذرا (همیشه باکره) عناوین «تاک» و «دروازه حیات» را می‌نهیم  
ب) آیا درست است که به مریم عذرا (همیشه باکره) دعا کنیم؟

(۱) پروتستان‌ها بانوی عذرا (همیشه باکره) را تکریم نمی‌کنند و از او شفاعت نمی‌طلبند، و احتمالاً این تفریط‌گری آنها واکنشی است به افراط‌گری کاتولیک‌های رومی. بعضی از پروتستان‌ها حتی تا آنجا پیش می‌روند که مریم عذرا (همیشه باکره) را به پوست تخم مرغ شباهت می‌دهند که پس از خروج جوجه از آن، بی‌فایده و بی‌ارزش می‌ماند. و طبعاً آنها هیچیک از اعیاد مربوط به مریم عذرا (همیشه باکره) را برگزار نمی‌کنند.

(۲) برخی از پروتستان‌ها، جسورانه مریم عذرا (همیشه باکره) را «خواهر ما» می‌نامند.

(۳) به علاوه، آنها می‌گویند که بانو مریم بعد از تولد خداوند یسوع، با یوسف همچون زوج خود زندگی کرد و صاحب فرزندان دیگر شد که «برادران یسوع» یا «برادران خداوند» خوانده می‌شدند.

(۴) پروتستان‌ها همچنین به برخی از عناوینی که کلیسای ما به بانوی عذرا (همیشه باکره) می‌دهد اعتراض می‌کنند.

(۵) عدم تکریم پروتستان‌ها از آنجا آشکار می‌شود که در ترجمه‌هایی که خودشان از کتاب مقدس می‌کنند، عنوان «پراز فیض» (Full of Grace) را که توسط فرشته به او داده شد، به «لطف بسیار یافته» (Highly Favoured) ترجمه می‌کنند.

(۶) پروتستان‌ها غالباً بانوی عذرا (همیشه باکره) را به جای «مادر خدا» (Theodokos)، «مادر

یسوع «خطاب می کنند».

## تکریم مریم عذرا (همیشه باکره)

کافیست به سخنان مریم عذرا (همیشه باکره) که در کتاب مقدس ثبت شده است رجوع نماییم: «ترین پس، همه نسلها خجسته/ خواهند خواند» (لوقا ۱: ۴۸). فراز: «همه نسلها» به این معناست که تکریم مریم عذرا (همیشه باکره) یک اصل جهانی است که از میلاد مسیح آغاز شده و تا انقضای عالم ادامه خواهد یافت.

برخی از تکریم‌های مریم عذرا (همیشه باکره) در کتاب مقدس ثبت شده است. برای مثل الیزابت، که تقریباً هم‌سن مادر مریم مقدس بود، به او گفت: «من که باشم که مادر خداوندم نزد من آید؟ چون صدای سلام تو به گوشم رسید، طفل از شادی در رحم من به جست و خیز آمد». (لوقا ۱: ۴۳، ۴۴)

چه عجیب است عظمت مریم عذرا (همیشه باکره)؛ که چون الیزابت سلام او را شنید، «به روح القدس پر شد». (لوقا ۱: ۴۱). صرفاً شنیدن صدای مریم عذرا (همیشه باکره) باعث شد که الیزابت به روح القدس پر شود.

بانوی عذرا (همیشه باکره) نه فقط از انسان، بلکه از فرشتگان نیز تکریم یافت؛ چنانچه جبرئیل فرشته به او گفت: «سلام بر تو ای نعمت رسیده، خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی» (لوقا ۱: ۲۸). فراز «تو در میان زنان مبارک هستی» عیناً توسط الیزابت تکرار شده است (آیه ۴۲). جبرئیل، فرشته اعظم، به هنگام سلام دادن به مریم از اکرام و تجلیل بیشتری در سخنانش استفاده کرد تا آن زمان که به زکریای کاهن سلام می‌داد (آیه ۱۳).

در کتاب مقدس، نبوت‌های بسیاری در مورد مریم عذرا (همیشه باکره) شده است. یکی از آن نبوت‌ها در مزامیر دیده می‌شود: «ملکه به دست راستت در طلای اوفیر ایستاده است» (مزامیر ۹: ۴۵). وحی الهی همچنین در مورد او می‌گوید: «دختر پادشاه تماماً در اندرون مجید است و رختهای او با طلا مَرَّصَع است (مزامیر ۴۵: ۱۳). بنابراین مریم عذرا (همیشه باکره)، ملکه و دختر پادشاه است. به همین دلیل است که کلیسای قبطی در تمامی شمایل‌های مربوط به مریم عذرا (همیشه باکره)، او را همچون ملکه تاجدار به تصویر می‌کشد و وی را در سمت راست مسیح خداوند (که او را جلال باد) قرار می‌دهد.

کلیسا در سرودهای مذهبی خود مریم عذرا (همیشه باکره) را ستایش کرده می‌سراید: «دختران بسیار اعمال صالحه نمودند، اما تو بر جمیع ایشان برتری داری». (امثال ۳۱: ۲۹)

مریم مقدس آرزوی تمامی نسلها بود. او همان است که فرزندش توانست «سر او را بکوبد» و نخستین وعده نجات خدا را به کمال رساند. (پیدایش ۳: ۱۵)

از آنجایی که مریم عذرا (همیشه باکره) مادر مسیح است، تمام عناوین مسیح خداوند را می‌توان به وی نسبت

داد.

مسیح نور حقیقی است (یوحنا ۱: ۹). او درباره خود گفت: «من نور عالم هستم» (یوحنا ۸: ۱۲). بنابراین مادر او، مریم عذرا (همیشه باکره)، «مادر نور» یا «مادر نور حقیقی» است.

مادامی که مسیح مولود مقدس است (لوقا ۱: ۳۵)، مریم عذرا (همیشه باکره) نیز «مادر مولود مقدس» است. از آنجاکه مسیح منجی است، چنانکه به چوپانان گفته شد: «مرور برای شما در شهر داود، نجات دهنده‌ای که مسیح خداوند باشد متولد شد» (لوقا ۲: ۱۱)، و از آنجا که نام او یسوع یعنی «نجات‌دهنده» است، چراکه «مت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید» (متی ۱: ۲۱)، بنابراین مریم عذرا (همیشه باکره) نیز «مادر منجی» است. مادامی که مسیح خداست (اول یوحنا ۱ رومیان ۹: ۵؛ یوحنا ۲۰: ۲۸)، مریم عذرا (همیشه باکره) نیز «مادر خدا» است. از آن رو که مسیح خداوند است، مریم عذرا (همیشه باکره) نیز «مادر خداوند» است، بنابر سخن الیزابت به او: «مادر خداوند من» (لوقا ۱: ۴۳). به همین صورت، او «مادر عمانوئیل» (متی ۱: ۲۴) و «مادر کلمه مجسم» (یوحنا ۱: ۱۴) است.

اگر مریم عذرا (همیشه باکره) مادر مسیح است، بی‌تردید مادر روحانی تمام مسیحیان نیز هست. مسیح در مورد او به یوحنای رسول می‌گوید: «اینک مادر تو» (یوحنا ۱۹: ۲۷). اگر مریم عذرا (همیشه باکره) مادر یوحنای رسول است و یوحنای رسول ما را «فرزند/انم» (اول یوحنا ۲: ۱) خطاب می‌کند، پس بانوی عذرا (همیشه باکره) مادر همه مسیحیان است. در نتیجه عنوان «خواهر ما» پذیرفته نیست چراکه منطقی و منصفانه نیست که مادر مسیح را خواهر فرزندان مسیح، که به وی ایمان دارند، بدانیم!

پس هرکس که مریم عذرا (همیشه باکره) را تکریم بنهد، خود مسیح را تکریم می‌نهد. اگر احترام گذاردن به مادر، نخستین حکم با وعده است (افسیان ۶: ۲؛ خروج ۲۰: ۱۲؛ تثیبه ۵: ۱۶)، پس مگر نه اینکه ما نیز باید به مادر مسیح و مادر رسولان حرمت نهیم؟

مریم عذرا (همیشه باکره) همان است که فرشته بدو گفت: «روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلیٰ بر تو سایه خواهد افکند، از آنجهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد» (لوقا ۱: ۳۵). همچنین او کسی است که الیزابت ستایش‌اش کرده گفت: «و خوشبحال او که ایمان آورد، زیرا که آنچه از جانب خداوند به وی گفته شد، به انجام خواهد رسید». (لوقا ۱: ۴۵)

عبارت: «تو در میان زنان مبارک هستی» که توسط جبرئیل فرشته و قدیسه الیزابت گفته شد، بدین معناست که چنانچه مریم عذرا (همیشه باکره) با تمامی زنان جهان مقایسه گردد او در میان آنان مبارک خواهد بود زیرا هیچ‌یک از زنان جهان جلالی را که او توسط «کلمه الهی» دریافت کرده بود، نیافته‌اند. بی‌شک خدا بانوی عذرا

(همیشه باکره) را از میان تمامی آن زنان انتخاب نمود زیرا هیچ زن دیگری خصوصیات او را نداشت.

تمام اینها نشان می‌دهد که مریم مقدس از چه جایگاه عالی و بزرگی برخوردار است. به همین خاطر است که اشعیاء نبی او را «ابر» خطاب می‌کند. (اشعیاء ۱۹: ۱)

## القاب او

از آنرو که خدا به هنگام تجسم در مریم عذرا (همیشه باکره) سکنی گزید، کلیسا او را با اسامی «**آسمان ثانی**» و «**خیمه اجتماع**» می‌نامد.

کلیسا همچنین او را «**شهر خدا**» یا «**صهیون**» می‌خواند، چنانکه در مزامیر آمده است: «**و درباره صهیون گفته خواهد شد که این و آن در آن متولد شده‌اند. و خود حضرت اعلی آن را استوار خواهد نمود**» و «**سخنهای مجید درباره تو گفته می‌شود، ای شهر خدا**». (مزامیر ۸۷: ۵ و ۳)

از آنرو که مسیح خداوند خود را به نان من تشبیه کرده و می‌گوید که نانی است که از آسمان نازل شده (یوحنا ۶: ۵۸)، کلیسا نیز مریم عذرا (همیشه باکره) را «**ظرف من**» می‌نامد.

با توجه به بکارت مریم مقدس، کلیسا وی را «**عصای شکفته شده هارون**» (اعداد ۱۷) می‌نامد. همچنین کلیسا او را به «**تابوت عهد**» تشبیه می‌کند (خروج ۲۵: ۱۰-۲۲)، زیرا اولاً درون و بیرون تابوت با طلا مزین شده بود که نمادی از پاکدامنی و مرتبه عالی مریم عذرا (همیشه باکره) است، ثانیاً تابوت از چوب شطیم، که فاسد نمی‌شد، ساخته شده بود و نمادی از تقدس وی بود.

و نیز به این خاطر مریم عذرا (همیشه باکره) را به تابوت تشبیه می‌کند زیرا نان من که در تابوت گذاشته شده بود نمادی از آن نان حیات که از آسمان نازل شد، یعنی مسیح، بود و همچنین در تابوت دو لوح شریعت که نماد کلمه خدا یعنی مسیح (یوحنا ۱: ۱) بود قرار داشت.

مریم عذرا (همیشه باکره) به نردبانی که یعقوب در رویا دید شباهت داده می‌شود؛ همان که بر زمین برپا شده و سرش به آسمان می‌رسید (پیدایش ۲۸: ۱۲). زیرا هنگامی که مریم عذرا (همیشه باکره)، مسیح را به دنیا آورد، آسمان و زمین در او به هم پیوستند. او زمینی بود که آسمان در وی ساکن شد، یا به اصطلاح درست‌تر، او آسمان را بر زمین حمل می‌کرد.

«**بوته مشتعلی که سوخته نمی‌شد**» و موسی آن را دید (خروج ۳) نمادی از مریم عذرا (همیشه باکره) است، زیرا روح القدس با آتش الهی خود بر او آمد با این حال وی نسوخت.

از آنجا که اتحاد الوهیت و انسانیت مسیح به اتحاد زغال و آتش تشبیه می‌شود، مریم عذرا (همیشه باکره) نیز

که این اتحاد را درون خود حمل نمود، به «بخورسوز» تشبیه می‌شود. او «بخورسوز هارون» یا «بخورسوز زرین» نامیده می‌شود که دلالت بر مقام والای وی دارد.

کلیسا همچنین به او عنوان «کبوتر خدا» را داده است، چراکه:

- ۱- در فروتنی همچون کبوتر است
- ۲- روح‌القدس، که به صورت کبوتر ظاهر شده (متی ۳: ۱۶)، بر او آمد.
- ۳- حامل پیام نجات انسان بود، همانند آن کبوتر که مژده بازگشت حیات زمین را پس از طوفان رساند. (پیدایش ۸: ۱۰، ۱۱)

همچنین مریم عذرا (همیشه باکره) به «کلیسا» شباهت داده می‌شود و بسیاری از نبوت‌ها توأماً برای مریم عذرا (همیشه باکره) و کلیسا بکار می‌رود. نمادها و تشبیه‌های مریم عذرا (همیشه باکره) در مراسم کلیسا و در کتب مقدس فراوانند. او تکریم می‌شود زیرا:

- ۱- روح‌القدس بر او آمد
- ۲- مادر خداست
- ۳- بکارت او ابدی است
- ۴- مقدس است
- ۵- کتاب مقدس بر او شهادت می‌دهد
- ۶- خداوند خود او را تکریم کرد، و
- ۷- توسط او معجزات متعدد انجام شد و رویاهای بسیاری دیده شد.

این تکریم در مراسم کلیسا، سرودهای مذهبی و ترانه‌ها، در دعا‌های شفاعتی کلیسا، در اعیاد و در روزهای که به وی اختصاص داده شده انجام می‌شود.

## اعیاد مربوط به او (در کلیسای قبطی و ارمنه)

- ۱- غنودن (خفتن) وی، ۲۱ طوفی پنجمین ماه تقویم قبطی) و روز ۲۱ هر ماه قبطی
- ۲- ولادت او، اول پاخون (نهمین ماه تقویم قبطی)
- ۳- مژده ولادت او، هفتم ماسوری (دوازدهمین ماه تقویم قبطی)
- ۴- تقدیم او به هیکل، سوم کواق (چهارمین ماه تقویم قبطی)

- ۵- دخول او به سرزمین مصر، ۲۴ پاخون  
 ۶- بر شدن او به آسمان، ۱۶ ماسوری  
 ۷- برپایی کلیسایی به نام او در فیلیپی، ۲۱ پاونی (دهمین ماه تقویم قبطی)  
 ۸- ظهور او در کلیسایی مسمم به خود در زیتون قاهره، دوم آوریل. این عید در سالهای اخیر به اعیاد کلیسای قبطی افزوده شده است.

اعیاد مربوط به مریم مقدس باکره مادر خداوندان در کلیساهای رسولی-ارتودکسی آرامنه:

- ۱- بشارت جبرائیل ۷ آوریل
- ۲- تولد مریم باکره ۸ سپتامبر
- ۳- تقدیم مریم سه ساله به معبد و وقف به خداوند ۲۱ نوامبر
- ۴- تشکیل نطفه مریم در رحم مادرش ۹ دسامبر
- ۵- به اسمان برده شدن جسمش ۱۵ آگوست و یکشنبه نزدیک به آن
- ۶- پیدا شدن کمر بند او
- ۷- پیدا شدن جعبه متعلقات او

## سوال در باب عناوین او

(۱) به چه علت ما در دعای ساعت سوم، مریم عذرا (همیشه باکره) را «تاک» نامیده، می‌گوییم: «ای مادر خدا، تو تاک حقیقی هستی که ثمره حیات را به بار آوردی»، در حالیکه عنوان «تاک» به مسیح خداوند تعلق دارند همانگونه که خود مسیح گفت: «من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است»، «من تاک هستم، شما نیز شاخه های من؟» (یوحنا ۱۵: ۱ و ۵)

**جواب**

## مریم عذرا (همیشه باکره) «تاک» است

دادن عنوان «تاک» به مریم عذرا (همیشه باکره) به هیچ وجه از عنوان اطلاق شده به مسیح تعارض نمی‌کند. یسوع خداوند به یک مفهوم تاک است، و مریم عذرا (همیشه باکره) به مفهومی دیگر.

خداوند تاک است و ما شاخه‌ها هستیم. او منشاء است و ما از او سرچشمه می‌گیریم. او سر است و ما اعضای بدن اویم.

در مورد مریم عذرا (همیشه باکره)، بنابر سرودهای مذهبی کلیسای ما، «**او حامل ثمره حیات است، یعنی پسر حقیقی خدا**» و «**او تاکی است که هرگز پیر نگشت و کسی نیز درو نکرد**».

### مسیح خداوند برخی از عناوین خود را به ما می‌دهد

(۱) خداوند می‌فرماید: «*من شبان خوب و دلسوزم*» (یوحنا ۱۰: ۱۱، ۱۴). این عنوان را داود به خدا داده بود چنانکه در مزامیر می‌خوانیم: «*خداوند شبان من است*» (مزامیر ۲۳: ۱) و همچنین در کتاب حزقیال این عنوان به او اطلاق شده است (حزقیال ۳۴: ۱۱-۱۶)

با این وجود، خداوند برخی از فرزندان خود را شبان می‌نامد. در عین حالی که او از کلیسا می‌خواهد تا «یک گله شوند و یک شبان داشته باشند» (یوحنا ۱۰: ۱۶)، به پطرس رسول می‌گوید: «*به بره های من خوراک بده. از گوسفندان من مراقبت کن*» (یوحنا ۲۱: ۱۵، ۱۶). خداوند در عهد عتیق می‌فرماید: «*و شبانانی بر شما می‌گمارم که مورد پسند من باشند*» (ارمیا ۳: ۱۵). عنوان «شبان» به جانشینان رسولان اطلاق شد، یعنی به اسقفان که «*کلیسای خدا را رعایت می‌کنند که آن را [مسیح] به خون خود خریده است*» (اعمال ۲۰: ۲۸). پطرس رسول می‌فرماید: «*گله خدا را که در میان شماست بچرانید و نظارت آن را بکنید*». (اول پطرس ۵: ۲)

(۲) یسوع مسیح خداوند خود را «نور» معرفی کرده می‌گوید: «*من نور عالم هستم*» (یوحنا ۸: ۱۲؛ ۹: ۵). با این حال به شاگردانش می‌گوید: «*شما نور عالمید*» و «*بگذارید نور شما بر مردم بتابد*». (متی ۵: ۱۴ و ۱۶)

شکی نیست که خداوند نور کامل به معنای واقعی کلمه است. شاگردانش نور هستند چراکه از او نور می‌گیرند و با نور او بر مردم می‌تابند. به همین صورت، او شبان به معنای واقعی کلمه است اما آنان نیز شبانان هستند زیرا که ناظرانی‌اند که خدا معین کرده تا گله را شبانی کنند.

(۳) گفته شده که مسیح خداوند اسقف («*ἐπίσκοπος*» یا «*Episkopos*» به معنای ناظر) است: «*شبان و اسقف جانهای خود*» (اول پطرس ۲: ۲۵). با این وجود، شاگردان رسولان بواسطه روح‌القدس به عنوان اسقف دستگذاری می‌شدند (یوحنا ۲۰: ۲۰-۲۳؛ اعمال ۲۰: ۲۸؛ اول تسالونیکیان ۳: ۲؛ فیلیپیان ۱: ۱؛ تیتوس ۱: ۷).

(۴) در مورد مسیح خداوند گفته شده: «تو تا به ابد کاهن هستی بر رتبه ملک‌یصدق» (مزامیر ۱۱۰: ۴؛ عبرانیان ۵: ۶). با این حال آیات زیادی در کتاب مقدس در مورد کاهنان اعظم و سایر کاهنان وجود دارد که «مسح/ایشان هر آینه برای کهنات ابدی در نسلهای ایشان خواهد بود». (خروج ۴۰: ۱۵)

در عهد عتیق گفته شده: «کاهنان تو به عدالت ملّیس شوند» (مزامیر ۱۳۲: ۹ و ۱۶)؛ «و قدری از روغن مسح را بر سر هارون ریخته، او را مسح کرد تا او را تقدیس نماید» (لاویان ۸: ۱۲) و «برای برادرت هارون جامه‌های مقدس خواهی ساخت که [برایش] زینت پر جلال خواهد بود» (خروج ۲۸: ۲). در عهد جدید مشاهده می‌کنیم که پولس خود را کاهن می‌نامد. (رومیان ۱۵: ۱۶)

مسیح خداوند از آن جهت کاهن بود که خود را همچون قربانی، بابت گناهان ما تقدیم نمود. اما سایر کاهنان، خادمین و ناظران اسرار الهی هستند. آنان قربانی مسیح خداوند را تقدیم می‌نمایند و در عهد عتیق آنچه را که نماد قربانی مسیح بود تقدیم می‌نمودند.

(۵) نوشته شده که مسیح پسر خداست (اول یوحنا ۴: ۱۴، ۱۵) و ما نیز فرزندان خدا هستیم (اول یوحنا ۳: ۱). مسیح از آن جهت پسر خداست که در ذات، طبیعت و الوهیت با خدا یکی است. ولی ما از راه محبت و فرزندخواندگی، فرزندان خدا هستیم. به همین خاطر است که مسیح خداوند، پسر یگانه خوانده می‌شود. (یوحنا ۳: ۱۶)

### همچنین است لقب «تاک»

مسیح خداوند تاک است. تمام کلیسا تاکستان خوانده می‌شود و خداوند سرودی در رابطه با کلیسا در کتاب اشعیا سرایید: «... میان من و تاکستانم داوری کنید. برای تاکستانم دیگر چه می‌شد کرد که برایش نکردم؟» و وحی الهی می‌گوید: «زیرا که تاکستان بیهوه صباوت خاندان اسرائیل است». (اشعیا ۵: ۱-۷)

مَثَل تاکستان و دروگران که خداوند بیان کرد (متی ۲۱: ۳۳-۴۱) نیز مصداق همین مفاهیم است. در این مثل، تاکستان کلیسا است، دروگران کاهنانند و صاحب باغ، خداست.

وقتی لقب «تاک» را به کلیسا می‌دهیم، به آن وحی الهی که در کتاب مزامیر آمده است اشاره داریم. ما به خدا می‌گوییم: «ای خدای لشکرها، باز آ، از فراز آسمانها نگاه کن و ببین؛ از این تاک دیدار به عمل آور و آنچه را که دست راستت کاشته محافظت فرما». (مزامیر ۸۰: ۱۴، ۱۵)

پس آیا هنگامی که کلیسا را «تاک» می‌خوانیم، که خود خداوند این عنوان را به او عطا کرد، جلال خدا را به سرقت می‌بریم؟ آیا اگر ما قوم او را «تاکستان» بنامیم جلالش را دزدیده‌ایم، با اینکه کتاب مقدس ما را بدین کار حکم می‌کند؟ و یا این علیه کلیسا است که کتاب مقدس می‌گوید: «برای آن تاکستان شراب بسرایید. من که بیهوه هستم آن را نگاه می‌دارم و هر دقیقه آن را آبیاری می‌نمایم». (اشعیا ۲۷: ۲، ۳)



چقدر فزون تر، عنوان «تاک» به مادر مبارک ما داده می‌شود، چنانکه مزامیر می‌گوید: «*زوجات همچون تاکی بارور خواهد بود در اندرون خانه‌ات، پسرانت همچون نهال درخت زیتون گرداگرد سفره‌ات*». (مزامیر ۱۲۸: ۳)

پس عجیب نیست که ما مریم عذرا (همیشه باکره) را «تاک» می‌نامیم.

## سوال در باب عناوین او

(۲) در دعای نیمه شب (بخش سوم)، چگونه می‌توانیم مریم عذرا (همیشه باکره) را «**دروازه حیات**» بنامیم، حال آنکه دروازه، مسیح است چنانکه خود گفت: «*من آن دری هستم که گوسفندان از آن وارد می‌شوند*»؟ (یوحنا ۱۰: ۷)

### مریم عذرا (همیشه باکره) دروازه حیات است

در کتاب مقدس، مریم عذرا (همیشه باکره)، «**دروازه**» نامیده شده است. در کتاب حزقیال نوشته شده است که او آن دروازه است که به سمت مشرق متوجه است، و یهوه خدا به آن داخل شده و از همان راه خارج می‌شود. (حزقیال ۴۴: ۲)

همانگونه که خداوند، حیات است؛ بانوی عذرا (همیشه باکره) نیز دروازه حیات است. خداوند اظهار می‌دارد که حیات است، آنگاه که می‌گوید: «*رستاخیز و حیات من هستم*» (یوحنا ۱۱: ۲۵). از آنجا که بانو، دروازه‌ایست که مسیح از آنجا آمد، بنابراین او دروازه حیات است.

به همان طریق، مریم عذرا (همیشه باکره) نیز دروازه نجات است چراکه خداوند منجیست. او آمد تا جهان را نجات دهد؛ آن را که از دست رفته بود نجات دهد. (لوقا ۱۹: ۱۰)

شگفت آور نیست که بانوی عذرا (همیشه باکره) را «**دروازه**» بنامیم زیرا کلیسا مدتها پیش از آن «**دروازه**» خوانده شده بود. پدر ما یعقوب درباره آن مکان مقدس که کلیسا بود و آن را بیت‌ایل یعنی خانه خدا نامید گفت: «*این چه مکان ترسناکی است! این نیست جز خانه خدا و این است دروازه آسمان!*». (پیدایش ۲۸: ۱۷)

## آیا درست است که به مریم عذرا (همیشه باکره) دعا کنیم؟

ما به مریم عذرا (همیشه باکره) دعا نمی‌کنیم، بلکه هنگامی که دعا می‌کنیم او را خطاب کرده، از وی درخواست می‌کنیم که برایمان شفاعت کند. نه تنها بانو را خطاب می‌کنیم بلکه فرشتگان، طبیعت، امتهای خودمان و حتی دیوها را مورد خطاب قرار می‌دهیم. . . چرا نباید مادر عذرا (همیشه باکره) یمان را بطور خاص مورد خطاب قرار دهیم؟

(۱) ما در دعایمان فرشتگان را خطاب می‌کنیم: «خداوند را متبارک بخوانید ای فرشتگان او، که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می‌آورید و آواز کلام او را گوش می‌گیرید! ای جمیع لشکرهای او خداوند را متبارک بخوانید! و ای خادمان او که اراده او را بجا می‌آورید» (مزامیر ۱۰۳: ۲۰، ۲۱) و «هللویاه! خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلیٰ علین او را تسبیح بخوانید! ای همه فرشتگانش او را تسبیح بخوانید. ای همه لشکرهای او، او را تسبیح بخوانید». (مزامیر ۴۸: ۱، ۲)

(۲) ما در دعاهای خود، طبیعت را خطاب کرده می‌گوییم: «ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید. ای همه ستارگان نور او را تسبیح بخوانید. ای فلک‌الافلاک او را تسبیح بخوانید و ای آبهایی که فوق آسمانها پدید. نام خداوند را تسبیح بخوانید زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند. و آنها را پایدار نمود تا ابدالآباد و قانونی قرار داد که از آن در نگذردند. خداوند را از زمین تسبیح بخوانید ای زهنگان و جمیع لجه‌ها. ای آتش و تگرگ و برف و مه و باد تند که فرمان او را به جا می‌آورید. ای کوهها و تمام تل‌ها و درختان میوه‌دار و همه سروهای آزاد». (مزامیر ۱۴۸: ۳-۹)

(۳) ما در دعاهای خود شهر مقدس خدا را خطاب کرده می‌گوییم: «ای اورشلیم خداوند را تسبیح بخوان. ای صهیون خدای خود را حمد بگو. زیرا که پشت بندهای دروازه هایت را مستحکم کرده و فرزندان را در اندرون ت مبارک فرموده است» (مزامیر ۱۴۷: ۱۲، ۱۳). در مزمور دیگر می‌گوییم: «سخنهای مجید درباره تو گفته می‌شود ای شهر خدا! سلاه». (مزامیر ۸۷: ۳)

(۴) ما امتها را در دعاهایمان خطاب کرده می‌گوییم: «ای جمیع امت‌ها دستک زنید. نزد خدا به آواز شادی بانگ بر آورید» (مزامیر ۴۷: ۱). «بیا پدید کارهای خداوند را نظاره کنید که چه خرابیها در جهان پیدا نمود» (مزامیر ۴۶: ۸). «بر روسا توکل مکنید و نه بر ابن آدم که نزد او عنایتی نیست» (مزامیر ۱۴۶: ۳) و «ای همه کارهای خداوند او را متبارک بخوانید! در همه مکانهای سلطنت او. ای جان من خداوند را متبارک بخوان!» (مزامیر ۱۰۳: ۲۲). در مزموری دیگر می‌خوانیم: «هللویاه! ای بندگان خداوند، تسبیح بخوانید» (مزامیر ۱۱۳: ۱). و همچنین می‌گوییم: «ای فرزندان خدا، خداوند را توصیف کنید. جلال و قوت را برای خداوند توصیف نمایید. خداوند را به جلال اسم او تمجید نمایید». (مزامیر ۲۹: ۱، ۲)

(۵) همچنین دعاگو خودش را خطاب کرده می‌گوید: «ای جان من خداوند را متبارک بخوان! و هرچه در درون من است نام قدوس او را متبارک خواند. ای جان من خداوند را متبارک بخوان! و جمیع احسانهای او را فراموش مکن! که تمام گناهانت را می‌آمرزد و همه مرضهای تو را شفا می‌بخشد. که حیات تو را از هاویه فدیة می‌دهد و تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می‌نهد. که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود» (مزامیر ۱۰۳: ۱-۵). در مزموری دیگر می‌گوید: «ای جانم چرا منحنی شده‌ای و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت» (مزامیر ۴۲: ۵) . . .

(۶) بعلاوه ما در دعاهايمان ارواح شرير و تمام فوجهای آن را مورد خطاب قرار داده می‌گوییم: «ای همه بدکاران از من دور شويد زیرا خداوند آواز گريه مرا شنیده است! خداوند استغاثه مرا شنیده است. خداوند دعای مرا اجابت خواهد نمود. همه دشمنانم به شدت خجل و پریشان خواهند شد. رو برگردانیده، ناگهان خجل خواهد گردید.» (مزامیر ۶: ۸-۱۰)

آیا ما به همه اینها دعا می‌کنیم؟ آیا ما به فرشتگان دعا می‌کنیم؟ آیا ما به طبیعت، امت‌ها و شیران دعا می‌کنیم؟ حاشا! ما در دعاهاى خود آنها را خطاب می‌کنیم. این قابل قبول است. این یک تعليم کتاب‌مقدسی و الهام گرفته از مزامیر می‌باشد که پولس رسول درباره آن می‌گوید: «با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است با یکدیگر گفتگو کنید، و از صمیم دل بسرایید و ترنم نمایید» (افسیان ۵: ۱۹). و «با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعليم دهید». (کولسیان ۳: ۱۶) (این دو آیه در خصوص مزامیر همچنين تمام دعاهاى کتبی از مزامیر و قدیسین را هم تائید می‌کنند)

از آنجا که ما فرشتگان، طبیعت، امت‌ها، خودمان و فوجهای شریر را بر اساس تعالیم الهی در دعاهاى خود خطاب می‌کنیم، بنابراین اشتباه نیست که مادر عذرا (همیشه باکره) یمان را در هنگام دعا خطاب کنیم.

نظرات رهبران اولیه کلیسای پروتستان در خصوص مادر مقدس

لوتر:

به درستی که او نه تنها مادر انسان، بلکه همچنین مادر خدا نامیده می‌شد.... مسلم است که مریم مادر واقعی و حقیقی خدا است. (۱)

جان کالوین

الیزابت مریم را مادر خداوند نامید، زیرا اتحاد شخص در دو ذات مسیح به گونه‌ای بود که او می‌توانست بگوید، انسان فانی ایجاد شده در رحم مریم، هم زمان خدای ابدی بود. (۲)

هلویدیوس نیز نادانی خود را با گفتن این سخن که "مریم چندین پسر داشته" نمایان کرده است. (۳)

اولریخ زوئینگلی

"من به شکلی استوار باور دارم که مریم، مطابق با گفته‌های انجیل به عنوان باکره‌ای پاک برای ما پسر خدا را به دنیا آورد و در هنگام زایمان و پس از آن برای همیشه یک باکره پاک و دست‌نخورده باقی ماند. (۴)

به جا بود که چنین پسر مقدسی می‌بایست چنین مادر مقدسی داشته باشد. (۵)

[۱] Martin Luther, Weimar edition of Martin Luther's Works, English translation edited by J. Pelikan [Concordia: St. Louis], volume ۲۴, ۱۰۷.

[۲] John Calvin, Calvin's Opera [Braunschweig-Berlin, Volume ۱۹۰۰-۱۸۶۳], ۳۵, ۴۵.

[۳] Bernard Leeming, "Protestants and Our Lady", Marian Library Studies, January ۱۹۶۷, p. ۹.

[۴] Ulrich Zwingli, Zwingli Opera, Corpus Reformationum, Volume ۱, ۴۲۴.

[۵] همان منبع

#### طلبیدن شفاعت از مادر مقدس

ای مریم مقدس مادر خداوند، تو مادر ما هم هستی، از تو می خواهیم به همه مادران داغدار، همه مادران دردمند و همه مادران تنها، مادران نجات نیافته و مادرائی که افسرده و غمگین اند، زنانی که فرزند ندارند و یا فرزندشان را از دست داده اند، زنانی که سقط جنین کرده اند، زنانی که به آنها تجاوز شده، دخترانی که ازدواج نکرده اند و دخترانی که باکره نیستند و این دنیای نیازمند را به حضور فرزند مبارکت ببری و همانگونه که در معجزه تبدیل آب به شراب شفاعت کردی برای این دنیای نیازمند هم شفاعت فرما. ای مسیح خداوند دعاها را بوسیله شفاعت مادر مقدست اجابت فرما. آمین.